

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۹ • ۲۷ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۱ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۲۶ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸

اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت



خانواده انگلیسی در قرنطینه خانگی. عکس: Elizabeth Dziel, AP

کلکسیونرهای آینده

فروش میلیون‌دلاری چند تابلو در اینستاگرام سبب شد تا بسیاری شگفت‌زده این اتفاق را دنبال کنند. در این ایام کرونایی تجربه‌های جدیدی رخ داد؛ گفت‌وگوهای لایو اینستاگرامی، برگزاری برنامه‌های لایو مانند امریکن آیدل، اجرای کنسرت به صورت زنده و حتی برگزاری جلسات اداری و کلاس‌های درسی و حتی کلاس‌های ورزش یا برگزاری دعا؛ چه در زاین، چه در آمریکا. اما کشیدن نقاشی و فروش آنلاین اتفاق جدید این روزهاست. به گزارش سی‌ان‌ان، اینستاگرام ممکن است بزرگ‌ترین ابزار تحول در

فروش و تبلیغ هنر از زمان ظهور نمایشگاه‌های هنری در اواخر دهه ۱۹۶۰ باشد. نه‌تنها شیوه نمایش و فروش هنر را تغییر داده، بلکه یک رویه دیجیتال را به خود اثر اضافه کرده است. از آنجا که از لحاظ بصری تغییری می‌دهد، ممکن است این اتفاق سبب شود تا اثر هنرمند موفق شود. عکاس فرانسوی، جی آر می‌گوید: «گالری‌های بزرگ و مگاپلیرها در دنیای هنر اکنون اهمیت اینستاگرام را درک می‌کنند. همه آنها متوجه شده‌اند که بزرگ‌ترین کلکسیونرها همه در اینستاگرام هستند و کلکسیونرهای آینده هم در اینستاگرام هستند. یکی از هنرمندان موفق

پرنده آبی

روستایی‌ها و عشایر بخشی از جامعه ملی هستند و جامعه ملی هم بخشی از جامعه جهانی؛ ازاین‌رو ناگزیر تاثیراتی از کرونا پذیرفته‌اند و زندگی‌شان دستخوش تغییراتی شده است؛ اما شاید نوع این تغییرات متفاوت از آنچه در جامعه شهری رخ داده، باشد. بافت جامعه روستایی و عشایری با بافت جامعه شهری تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها موجب شده تا تأثیر نفوذپذیری و تأثیر کرونا هم در آنها متفاوت باشد. برای گفتن اینکه کرونا چه تأثیری بر زندگی روستاییان و عشایر ایران دارد، باید به آمارهایی دسترسی داشته باشیم. آنچه تاکنون به دست آمده، این است که هنوز آمار دقیقی درباره ابعاد موضوع و خسارت‌های احتمالی و فرصت‌های جدیدی که ایجاد شده، در دسترس نیست؛ ولی می‌توان با وام‌گرفتن از تغییراتی که کرونا در بخش‌های مختلف جامعه ایجاد کرده و متغیرهای متفاوت را درک‌گزن کرده، درباره تأثیر آن بر زندگی دو جامعه روستایی و عشایر صحبت‌هایی کرد. کرونا از نظر شیوع و ضریب نفوذ آن بیشتر یک بیماری شهری بود تا روستایی یا عشایری. آمار نشان می‌دهد که استان‌هایی که توسعه‌یافته‌ترند، بافت شهری بیشتری دارند، کلان‌شهر در آنها بیشتر رونق گرفته و جمعیت بیشتری را در کلان‌شهرهای خودشان

جا داده‌اند، ضریب بیشتر شیوع را داشته‌اند. استان‌هایی مانند تهران، گیلان، اصفهان، قم و مازندران در ماه‌های اول این همه‌گیری، در بالای جدول درگیری با بیماری کرونا قرار داشتند. شاخص‌های توسعه در کشور هم نشان می‌دهد که این استان‌ها در مقایسه با استان‌های دیگر توسعه بیشتری داشته‌اند. در واقع شیوع کرونا با میزان توسعه‌یافتگی استان‌ها ارتباط مستقیمی داشته است؛ اما استان‌هایی که محروم‌تر بودند و اقتصادهای محلی و روستایی بیشتری



موسی عبیری
جامعه‌شناس

داشتند، تأثیرشان از کرونا کمتر بوده. همان‌طور که در آمار هم مشهود بود که استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری تأثیرپذیری کمتری از کرونا داشته‌اند. درعین‌حال این استان‌ها بافت و اقتصاد محلی و روستایی‌تری در مقایسه

با دیگر استان‌ها داشته‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که هر کجا تراکم جمعیت بیشتر بوده، تأثیرات کرونا هم بیشتر بوده است. اگرچه جوامع روستایی به اندازه جوامع شهری با کرونا درگیر نبودند؛ اما از اثرات آن متأثر شدند که نوع این تأثیرپذیری با آنچه در زندگی شهری رخ داده، متفاوت بوده است. در جامعه روستایی چون تراکم جمعیت پایین است؛ پس ضریب شیوع بیماری آن هم کم است. مکان‌های عمومی مثل ورزشگاه‌ها، استخرها، وسایل حمل‌ونقل عمومی و مسائلی از این دست که کانون شیوع این بیماری در روزهای اول معرفی شدند، در زندگی روستایی و عشایری نقش چندانی ندارند. همین دسترسی‌نداشتن روستاییان و عشایر به این امکان و خدمات موجب شده تا میزان شیوع هم در میان آنها کمتر شود؛ اما کتمان‌کردنی نیست که این مسئله بر زندگی و اقتصاد روستاییان و عشایر تأثیر مهمی گذاشته است؛ حتی اگر این تأثیر متفاوت از آن چیزی باشد که در زندگی شهری رخ داده است. بخش بزرگی در جامعه روستایی بهره‌وری خانوادگی دارند؛ یعنی شغل‌شان شغل آزادی است که در حوزه کشاورزی یا دامپروری است. به دلیل نوع زیست آنها و اینکه کارهای‌شان اغلب مستقل از دیگران بود، بنابراین با مسائلی مانند تعطیلی



است که با هم و در کنار هم بر زندگی روستایی و عشایری تأثیر دارد. برای همین اگر می‌خواهیم تأثیر آن را در نظر بگیریم، باید بدانیم که اینها از همدیگر قابل تفکیک نیستند و با همدیگر بر اقتصاد تأثیرگذارند. برای مثال درست است که ما اکنون با کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کنیم؛ ولی از سوی دیگر امسال با بارندگی‌های خوبی هم مواجه بودیم که بر زندگی روستایی تأثیر مثبتی گذاشته است. این عوامل در کنار هم تبیین‌کننده وضعیت زندگی روستایی و عشایری از کروناست.

تکلیف و واقعه

اخلاق سخن گفتن در دنیای بعد از گوگل

مخالف خود (هرچند که مخالفان اهل استدلال باشند) را دنبال نمی‌کنیم. یکی دیگر از بدترین عاداتی که ما با خود از بستر سنتی به بستر فناوری آورده‌ایم این است که مطلب به‌اشتراک گذاشته را که معمولاً از دیگری است و ما فقط آن را منعکس می‌کنیم، اول گزاره‌ای خلل‌ناپذیر می‌دانیم و دوم آن را با کلیت شخصیت خود گره می‌زنیم و هر نقد و ردی در باب آن را رد و نقد خود می‌دانیم. گویی اگر کسی بگوید این مطلبی که شما به اشتراک گذاشته‌اید به این دلایل غلط است، به خود ما توهین کرده است. (بگذاریم که این [خود اصلاً چیست؟] اما مهم‌ترین عادت‌ی که ما از سنت خود به صنعت ارتباطات جدید آورده‌ایم، سنت حرف‌پیرانی است. حرف‌پیرانی یعنی چیزی بگوییم بدون اینکه ذره‌ای در باب آن تامل و تحقیق کرده باشیم. تامل و تحقیق هر دو به یک اندازه در اینکه سخن ما به حرف‌پیرانی تبدیل نشود مهم است. وقتی چیزی می‌شنویم ابتدا باید ببینیم که آیا موارد ادعاشده در این سخن به لحاظ منطقی بودن با واقعیت‌های بیرونی صحت دارد؟ اگر صحت دارد، بیانش از من چه کارکرد و نتیجه‌ای دارد؟ این را نه ما و نه احتمالاً مردمان بسیار دیگری از کشورها نداشته‌اند و چون حرف‌پیرانی‌هایمان در گذشته جز از یک جمع محدود فراتر نمی‌رفته، مشکل زیادی به نظر به وجود نمی‌آورده است. امروزه هرکدامان یک تریبون داریم به نام گوشی و اپلیکیشن‌های شبکه‌های اجتماعی که در ساده‌ترین حالتش هم می‌توانیم با مخاطبان بسیاری در ارتباط باشیم. جمع این تریبون و آن سنت‌ها همین می‌شود که روزی ده‌ها مطلب با نام شامپو، فوکو، مولانا،



علی ورامینی

ما چنین هستیم که وقتی سخن و حتی کردارمان نقد می‌شود، گویی که کلیت شخصیتمان زیر سؤال رفته است و آن را حمله و توهین به خود تلقی می‌کنیم. این البته پیش از این است که توقع داشته باشیم ایگوی خود را ضعیف کنیم و یک گام بالاتر برویم، نه، حتی با حفظ ایگوی ورم‌کرده خود هم هر نقدی به باورهایمان را معادل تخریب ایگوی خود می‌دانیم. تجربه زیسته به من این باور را می‌دهد که هرچه از قدیم به این‌سو آمده‌ایم، سطح عموم جامعه روحیه گفت‌وگو و نقدپذیری‌اش بالاتر رفته است. (به استثنائات اگر نگاه نکنیم) طبیعی است که این کلی‌گویی را نمی‌توان به‌عنوان یک فکت جامعه‌شناسی حساب کرد، صحبت از تجربه‌های شخصی است که می‌تواند محدود به جامعه آماری مخاطبان من باشد و به‌کل غلط. اما رواج روحیه پرسشگری و آشنایی بیشتر با زیست‌جهان‌های متفاوت به واسطه تحولات فناورانه ارتباطات، می‌تواند در این مسیر تأثیر گذاشته باشد. در سویی دیگر همین تحولات فناورانه برای بسیاری از ما تنها فرم را عوض کرده است و در همان بستر فکری پیشین با ابزار جدید زیست می‌کنیم؛ مثلاً تنها در گروه‌ها و کانال‌هایی عضو می‌شویم که مطالبشان با آنچه ما درست می‌پنداریم یکی است و اکثراً مطالب

یادداشت‌های کرونایی-۸

کرونا وما چگونه ما شدیم

دیگر در راه بودند. دولت بودجه را براساس صادرات یک میلیون بشکه نفت از قرار بشکهای ۵۰ دلار می‌بندد که با احتساب سبدی از ارز نیمايي و... درآمد حاصل از فروش نفت بشکهای پنجاه دلار چیزی حدود ۵۰هزار میلیارد تومان می‌شد. مالیات درآمد دیگر دولت بود و ۱۹۵ هزار میلیارد تومان در بودجه تعیین شده بود. مصیبت‌های دیگر به‌جای خود، کاهش ارزش نفت به بشکهای حدود ۱۵ دلار به علاوه تگ‌ترشدن تحریم‌ها عملاً آن ۵۰ هزار میلیارد تومان را به سرنوشت نامعلومی دچار کرده است. از اسفندماه هم که سروکله کرونا پیدا شد و بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور را فلج کرد. آقای امیدعلی یارسا، رئیس سازمان مالیاتی کشور، یکی دو هفته پیش اعلام کردند که اگر از اول خرداد ماه هم کسب‌وکارها به حالت قبل از اسفندماه برگردند بازهم ضرر و زیان‌های مالی که باعث کاهش درآمدهای مالیاتی خواهد شد، برای سه ماه اسفند، فروردین و اردیبهشت بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود؛ یعنی کاهش درآمدهای نفتی و کرونا تا بدین‌جا یکصد هزار میلیارد تومان از درآمدهای



صادق زیباکلام

نگاهی دیگر

تأثیر یک بیماری شهری بر جامعه روستایی

کار مواجه نشدند؛ یعنی آن‌طور که مشاغل آزاد در حوزه خدمات از کرونا تأثیر گرفتند و تعطیل شدند، کار در حوزه کشاورزی و دامپروری تعطیل نبود و حتی در دوران اوج کرونا در اواخر زمستان و اوایل پاییز سال جاری هم کار در زندگی‌های روستایی برقرار بود. باین‌حال کاهش یافتن اقبال به محصولات روستاییان را می‌توان یکی از تأثیرات کرونا بر زندگی و معیشت این گروه از جامعه دانست. برای مثال تعطیلی گسترده رستوران‌ها در روزهای اوج کرونا موجب شد تا مرغذاری‌ها با ضررورزیان زیادی مواجه شوند. ازآنجایی که بخش بزرگی از این مرغذاری‌ها در اقتصادهای محلی و روستایی وجود دارد، این مسئله تأثیر زیادی روی زندگی آنها گذاشت. این فقط در بخش تولید محصولات روستایی نبود و در بخش خدمات هم زندگی روستاییان از این مسئله متأثر شد. برای مثال تعطیلی سفرها و برنامه‌های گردشگری آن هم در ماه مناسی مانند فروردین موجب شد معیشت روستاییانی که روستای‌شان به دلیل جاذبه‌های توریستی مکان مناسبی برای سفر بود، با تنگناهایی مواجه شود. نکته پایانی اینکه کرونا را نباید جدای از دیگر آسیب‌ها و مصائب اجتماعی تحلیل کنیم. کرونا به‌تنهایی بر یک جامعه تأثیرگذار است؛ اما برای تحلیل آن باید حضور عوامل دیگر را در نظر بگیریم. مثلاً کرونا در زمانی اتفاق افتاده که ما تحریم نفتی هستیم و اقتصاد ما گرفتار تورم است. مجبوریم بر اقتصادهای بومی و محلی تأکید کنیم، از طرفی با بارندگی‌های خیلی خوب مواجه هستیم. اینها بخشی از عواملی

است که با هم و در کنار هم بر زندگی روستایی و عشایری تأثیر دارد. برای همین اگر می‌خواهیم تأثیر آن را در نظر بگیریم، باید بدانیم که اینها از همدیگر قابل تفکیک نیستند و با همدیگر بر اقتصاد تأثیرگذارند. برای مثال درست است که ما اکنون با کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کنیم؛ ولی از سوی دیگر امسال با بارندگی‌های خوبی هم مواجه بودیم که بر زندگی روستایی تأثیر مثبتی گذاشته است. این عوامل در کنار هم تبیین‌کننده وضعیت زندگی روستایی و عشایری از کروناست.

تکلیف و واقعه

اخلاق سخن گفتن در دنیای بعد از گوگل

نیچه، شریعتی و ... می‌شنویم که هیچ نسبتی با آنها که ندارند هیچ، کاملاً خلاف نظام اندیشگانی آنهاست. اگر هم کسی پیدا شود و بگوید آقا و خاتم این کیبی نیست شما ربطی به آن خدایامز ندارد، حمله به ایگویمان می‌دانیم و در بهترین حالت در خود فرو می‌رویم. محدود به کیبی‌یست همین نام‌ها هم نیست، بی‌شمار لاطانات در علوم مختلف هر روز می‌بینیم که با یک گوگل‌کردن ساده می‌شد به کذب‌بودنشان پی برد و به این دام نیفتیم. در همین سنت ما ضرب‌المثلی است که می‌گوید: «ندانستن عیب نیست، نرسیدن عیب است». این جمله امروز در دنیای بعد از گوگل هم کاربرد دارد. اخلاق امروز به ما حکم می‌کند که حتی اگر قبل از به‌اشتراک‌گذاشتن مطلبی تامل نمی‌کنیم، لاقال یک تحقیق بسیار ساده انجام دهیم. قطعاً کسی که به تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و ... دسترسی دارد، به گوگل هم دارد. هر چیزی را که می‌خواهد با ذوق و شوق هم‌رسانی کند با اندکی مکث می‌تواند در کمتر از یک دقیقه تاریخچه‌ای از آن به دست بیاورد تا جمله عاشقانه خطاب به زنی را از قول فوکو نقل نکند؛ یا در یک پاراگراف از کل مکشروقات عالم هستی که هزاران سال برای اندیشمندان مورد سؤال بوده است پرده‌برداری نکند. این وظیفه هر کسی است که حتی مقداری مدغغه اخلاقی زیستن داشته باشد. گوگل در بسیاری از چیزها نقطه عطفی بوده است که جهان را به قبل و بعد خودش تقسیم می‌کند. دراین‌باره هم چنین است. در دوران گوگلی امروز دیگر هم‌رسانی باوهایی که به راحتی می‌شود در گوگل به باوه‌بودن آن پی برد، عین بی‌اخلاقی است.